

ارتباط ساختاری شکاف میان- نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان نوجوانان

دکتر بهزاد شالچی^۱

صبا کلاهی حامد^۲

چکیده

گسترش اینترنت مانند هر نوآوری دیگر، به ایجاد دگرگونی‌هایی در جنبه‌های گوناگون زندگی انجامیده است و در کنار دستاوردهای انکارناپذیر مثبت، پیامدهای نامطلوبی نیز به همراه داشته است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شکاف میان-نسلی به منزله یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت نوجوانان انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، دانش آموزان دوره متوسطه دوم تبریز در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که از میان آنان ۲۷۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس استفاده مشکل‌زا از اینترنت نوجوانان (PIEUSA) و پرسشنامه محقق ساخته شکاف میان-نسلی را تکمیل کردند. نتایج نشان داد میان شکاف میان-نسلی با اعتیاد به اینترنت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد ($r=0/21$ ، $p<0/01$). مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار بوده است و به منظور تبیین اعتیاد به اینترنت می‌توان از متغیر شکاف میان-نسلی استفاده کرد. از آنجایی که ابعاد شکاف میان-نسلی قادر به تبیین اعتیاد به اینترنت نوجوانان است، توجه به این امر می‌تواند پیشنهادهایی برای پیشگیری و مداخله در حوزه اعتیاد به اینترنت داشته باشد.

کلیدواژگان: ارتباط ساختاری، شکاف میان-نسلی، اعتیاد به اینترنت، نوجوانان

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۷

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

shalchi@azaruniv.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

sabakolahi@gmail.com

مقدمه

با وجود تمام مزایایی که استفاده از اینترنت برای انسان امروزی به همراه دارد، اما این فناوری نوین ارتباطی می‌تواند مضرات و مشکلات بسیاری را به ویژه برای نسل جوان به همراه داشته باشد. با توجه به جذابیت و ویژگیهای منحصر به فرد اینترنت، استفاده طولانی مدت و بیش از اندازه آن می‌تواند موجب وابستگی و اعتیاد افراد به ویژه نوجوانان شود. اعتیاد به اینترنت شبیه اختلال کنترل تکانه است (یونگ^۱، ۱۹۹۸) که به صورت اشتغال ذهنی مفرط و کنترل نشده و تمایلات یا رفتارهایی در زمینه استفاده از اینترنت مشخص می‌شود و به اختلال یا ناراحتی می‌انجامد (واینستین^۲ و لوژیویو^۳، ۲۰۱۰). طبق گزارش اتحادیه جهانی مخابرات (۲۰۱۵) درصد استفاده از اینترنت در جهان در سال ۲۰۱۴، ۴۰/۶ و در سال ۲۰۱۵، ۴۳/۳ بوده است و تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۲۰ به ۵۳ درصد افزایش یابد. با توجه به اهمیت فضای سایبری در توسعه جوامع، در جامعه ما نیز در سالهای اخیر به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه بسیار شده است. براساس نتایج شاخص رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، رتبه ایران در سطح جهانی از ۹۹ در سال ۲۰۱۰ به رتبه ۹۱ در سال ۲۰۱۵ تغییر یافته است (اتحادیه جهانی مخابرات، ۲۰۱۵).

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که امروزه شمار بسیاری از کودکان و نوجوانان از اینترنت استفاده می‌کنند. در حالی که بیشتر آنها بدون مشکل قابل توجهی از اینترنت استفاده می‌کنند، برخی دیگر روشهای ناکارآمد استفاده از آن را گزارش می‌کنند (درکی^۴ و همکاران، ۲۰۱۲) که این امر نگرانی عمومی را برانگیخته است. چرا که یافته‌های مرتبط با پیامدهای منفی استفاده از اینترنت نشان داده اند که استفاده کودکان و نوجوانان از اینترنت با خطرهای آسیبهای ارتباطی (مثل دریافت پیامهای ناخواسته و تهدیدآمیز از غریبه‌ها) و رفتاری (مثل پرخاشگری) همراه است (لیوینگستون^۵ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ملاندر^۶، ۲۰۱۰؛ آبجود^۷، ۲۰۱۰). علاوه بر این اینترنت ممکن است برخی رفتارهای آنلاین مشکل‌زا مانند استفاده از سایتهای شبکه‌های اجتماعی (آندریاسون^۸، گریفث^۹، پالسن^{۱۰}، بیلدر^{۱۱}، ترشایم^{۱۲} و آبجود، ۲۰۱۵)، اعتیاد به بازی آنلاین (مهرروف^{۱۳} و گریفث، ۲۰۱۰؛ یونگ،

1. Young
2. Weinstein
3. Lejoyeux
4. Durkee
5. Livingstone
6. Melander
7. Aboujaoude
8. Andreassen
9. Griffiths
10. Pallesen
11. Bilder
12. Torsheim
13. Mehroof

۲۰۰۹)، اعتیاد به سایبر سکس (لایر، پالیکوسکی، پکال، شولت و برند^۱، ۲۰۱۳)، پورنوگرافی اینترنتی (تورل و سرنکو^۲، ۲۰۱۰) و خرید اجباری (خرید اینترنتی) (هارتستون^۳، ۲۰۱۲) را در پی داشته باشد.

عوامل گوناگونی در گرایش نوجوانان به اینترنت نقش دارند. این عقیده که خانواده نقشی مهم در شروع و تشدید اعتیاد به اینترنت نوجوانان دارد، منبع پژوهشهای تجربی قابل ملاحظه‌ای بوده است و چنانچه گونوک و دوغان^۴ (۲۰۱۳) اشاره کرده‌اند اعتیاد به اینترنت صرفاً مشکل فرد نیست، بلکه مشکلی است که خانواده مسئول آن است و این مشکل به سبب پیامدهایش خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایمانی و شیرالی‌نیا، ۱۳۹۴). خانواده در حکم کانون اصلی تعامل طبیعی میان-نسلی، ضمن فراهم ساختن رابطه تعاملی میان اعضای خانواده، محل تفاوتها و تعارضهای نسلی نیز هست و به نظر می‌رسد همین تعارض و تضاد میان والدین و فرزندان و در اصطلاح «شکاف میان-نسلی» یکی از عوامل تأثیرگذار مهم در گرایش نوجوانان به استفاده مفرط و آسیب‌زا از اینترنت باشد. شکاف میان نسله‌ها و عدم تعامل منطقی میان آنها، از چالشها و دغدغه‌هایی است که همیشه وجود داشته و در حال حاضر نیز شاهد رشد بیش از پیش این شکاف و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزشهای اجتماعی و عدم تعامل مناسب میان فرزندان (نسل جدید) و والدین (نسل گذشته) هستیم (موسوی چلک، ۱۳۸۸). شکاف میان-نسلی به تفاوتها و اختلاف نظر میان دو نسل در انتخابهای شخصی، عقاید و باورها اشاره دارد که به تعارض و شکاف میان اعضای خانواده می‌انجامد (باکینگام و ویلت، ۲۰۱۳) و به دو نوع شکاف ارزشی میان-نسلی و شکاف هنجاری میان-نسلی تفکیک می‌شود. هنجارها به منزلهٔ بازنمایی جمعی از رفتار قابل قبول گروه و همچنین ادراک فردی از رفتار گروه خاص در نظر گرفته می‌شوند (لایپنسکی و ریمال^۵، ۲۰۰۵). از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، هنجارها می‌توانند رفتار را در یک وضعیت خاص یا محیطی به عنوان «بازنماییهای ذهنی رفتار مناسب» هدایت کنند (آرتز و دکسترهوس^۶، ۲۰۰۳). ارزشها، آرمانهای انتزاعی و وسیله همبستگی اجتماعی هستند و انتقال ارزشها سبب پیوستگی فرهنگی می‌شود. از آنجا که ارزشها، جهت‌دهنده رفتار و استانداردهای رفتارند، ارزشهای متفاوت میان نسله‌ها، سبب فاصله افتادن نسل پیشین از نسلی می‌شود که قرار است، جامعه‌پذیر شوند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶).

1. Laier, Pawlikowski, Pekał, Schulte & Brand
2. Turel & Serenko
3. Hartston
4. Gunuc & Dogan
5. Lapinsky & Rimal
6. Aarts & Dijksterhuis

بنگستون (۱۹۸۶)، به نقل از رحیمی و همکاران، (۱۳۹۰) معتقد است که ارزشها حاصل سه سطح اجتماعی اند. سطح اول، سطحی است که در آن فرهنگ، مفهومیهای مطلوب را مشخص می کنند. در سطح دوم، خانواده و رویکردهای آن ارزشها و اهداف را مشخص می کند و در سطح سوم، جنبه های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل، سطح آموزش و غیره نمایانگر است. به عقیده وی والدین در طبقات اجتماعی - اقتصادی خاص به نهادینه سازی ارزشهای خاص در ذهن فرزندان خود می پردازند. ادراکات فرزندان از ارزشهای والدین بستگی به شرایطی دارد که ارزشها را به دست می آورند. از مهم ترین عوامل تعیین کننده ادراک از ارزشهای والدین میزان توافق ارزشی والدین و فرزندان است (گروسک و گودناو^۱، ۱۹۹۴). گودناو (۱۹۹۴) عنوان می کند که قبل از اینکه فرزندان عقاید والدینشان را بپذیرند یا طرد کنند، ابتدا درکی از ارزشها و عقاید والدینشان کسب می کنند. وی اظهار می دارد پذیرش یا طرد عقاید والدین به عواملی مانند ادراک فرزندان از مناسب بودن ارزشها، انگیزش فرزندان به پذیرش عقاید والدین و ادراک فرزندان از درجه ای که والدین تمایل دارند که فرزندان در عقایدشان مشارکت نمایند، بستگی دارد (یوسفی، ۱۳۸۳). سگالن^۲ نیز بر این باور است که روابط میان والدین و فرزندان آنها، زمانی به بحران و چالش اصلی خود نزدیک می شود که فرزندان به سن بلوغ می رسند و این زمانی است که توأم با جوانی فرزندان، والدین مسن تر شده اند. این دوره ای است که ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد (ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸). بنابراین احتمال دارد که عدم هماهنگی و اختلافهای ارزشی و هنجاری میان والدین و فرزندان به طرق گوناگون در اعتیاد به اینترنت نقش داشته باشد. در چنین شرایطی است که وسایل ارتباطی مانند اینترنت که زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونیهای اجتماعی را فراهم می آورد، رفتارها و ارزشهای نسل کنونی را تحت تأثیر قرار می دهد. توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن و در مقابل، ناتوانی و عدم مهارت نسلهای بزرگسال با این پدیده و ناکارآمدی نهاد خانواده تأثیرات منفی در هر دو نسل به جا می گذارد. چنانکه ما نهایی^۳ اشاره می کند ارزشهای جدید، فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان اند: الف) جریان ظهور نسلهای جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش بینی نشده و جدید را در مقابل جریانهای فکری حاکم قرار می دهد و در واقع به پارادایمی جدید برای تحلیل نیاز دارد. از نظر

1. Grusec & Goodnow

2. Segalen

3. Mannheim

مانهایم ارزشها و تفکرات از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدیدتر سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، راههای تغییرات اجتماعی را هموار می‌کنند. مانهایم معتقد است که تغییر ارزشهای قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود و پدیده شکاف نسلی روی می‌دهد (موسوی میرکلائی، ۱۳۹۱).

مطالعات نشان داده است که یکی از دلایل اصلی شکاف میان-نسلی فقدان ارتباط کافی و رضایتبخش میان والدین و فرزندان است (آگاروال^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). چنانچه بسیاری از پژوهشها نشان می‌دهند افراد وابسته به اینترنت در مقایسه با افراد غیر معتاد رضایت ادراک شده کمتری از روابط با خانواده نشان می‌دهند (لام، پنگ، مای و جینگ^۲، ۲۰۰۹). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که تعارضات میان اعضای خانواده با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان مرتبط اند و نوجوانان معتاد به اینترنت رضایت کمتری از خانواده داشته و احساس می‌کنند والدین به آنها توجهی ندارند (ین، چن، چن و کو^۳، ۲۰۰۷). نتایج تحقیقات لیو و کیو^۴ (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن است که میان کیفیت رابطه والد-فرزند با اعتیاد به اینترنت فرزندان رابطه وجود دارد و کیفیت پایین رابطه والدین با فرزندان و تعارضات میان آنها پیش‌بین اعتیاد به اینترنت نوجوانان است. نتایج تحقیق زربخشی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان داد که فقدان محبت، صمیمیت و اعتماد میان والدین و فرزندان سبب فاصله‌گیری نوجوانان از والدین می‌شود و احتمال دارد فرزندان دنبال جایگزینهایی دیگر (مثل اینترنت) بروند تا جای خالی رابطه صمیمی با والدین را پر کنند.

با توجه به حساسیت موضوع اعتیاد به اینترنت و لزوم بررسی هرچه بیشتر آن، این پرسش باقی است که محیط خانواده که مهم‌ترین نهاد در جامعه است، تا چه حد موجب آسیب پذیری افراد در مقابل اعتیاد به اینترنت می‌شود؟ آیا شکاف ارزشی و هنجاری میان نسل جدید و قدیم می‌تواند فرد را در معرض خطر اعتیاد به اینترنت قرار دهد؟ مطالعه حاضر در پی یافتن پاسخی به این پرسشها صورت گرفته و امید است نتایج حاصل از آن بتواند پیشنهادهایی برای پیشگیری و مداخله در حوزه اعتیاد به اینترنت ارائه دهد.

1. Aggarwal

2. Lam, Peng, Mai & Jing

3. Yen, J. Y., Yen, C. F., Chen, C. C., Chen, S.H. & Ko

4. Liu & Kuo

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم تبریز در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که از میان آنها ۲۷۴ نفر (۱۱۲ نفر پسر و ۱۶۲ نفر دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. شیوه انتخاب نمونه به این صورت بود که از میان نواحی پنجگانه آموزش و پرورش تبریز، نواحی یک و چهار به صورت تصادفی انتخاب شدند و از این دو ناحیه ۴ مدرسه و از هر مدرسه سه کلاس انتخاب و پرسشنامه‌ها میان دانش‌آموزان توزیع شد. تحلیل آماری داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها به روش مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه زیر استفاده شد:

الف) مقیاس استفاده مشکل‌زا از اینترنت نوجوانان (PIEUSA)^۱: این مقیاس را در سال ۲۰۱۳ لوپز-فرناندز و همکاران برای نوجوانان ۱۸-۱۲ سال طراحی کرده‌اند که شامل ۳۰ گویه است و ۸ علائم اعتیاد به اینترنت (۱- اشتغال ذهنی، ۲- ترک کردن، ۳- تحمل، ۴- فقدان کنترل، ۵- مقاومت علی‌رغم درک مشکلات، ۶- تعارض، ۷- گریز از واقعیتها، ۸- انگیزه‌ها) را پوشش می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری به روش لیکرت (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) بوده و نمرات میان ۳۰ تا ۲۱۰ دامنه دارند که کسب نمره بالاتر نشانه وابستگی بیشتر به اینترنت در طول یکسال گذشته است. این پژوهشگران پایایی پرسشنامه را بر حسب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمده است.

ب) پرسشنامه شکاف میان-نسلی: میزان شکاف میان-نسلی از طریق یک پرسشنامه محقق‌ساخته که بر مبنای شاخصهای موجود در تحقیقات پیشین فراهم شده، اندازه‌گیری شده است. این ابزار محقق ساخته هفت خرده‌مقیاس شکاف میان-نسلی ارزشی اجتماعی-مذهبی، ارزشی اقتصادی، ارزشی سیاسی، هنجاری سیاسی، هنجاری اجتماعی، هنجاری اقتصادی و شکاف میان-نسلی هنجاری مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند. نتیجه تحلیل عاملی تأییدی برای پرسشنامه شکاف میان-نسلی مطلوب بوده و ضرایب آلفای کرونباخ برای هفت خرده‌مقیاس آن به طور متوسط ۰/۸۶ به دست آمده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول یک آمده است. بر اساس نتایج این جدول میانگین و انحراف استاندارد متغیر شکاف میان-نسلی کل به ترتیب ۵۳/۳۴ و ۱۲/۴۸ و میانگین و انحراف استاندارد متغیرکل اعتیاد به اینترنت ۱۰۲/۱۴ و ۴۱/۱۲ است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

n=۲۷۴			n=۲۷۴		
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
ارزشی اجتماعی-مذهبی	۱۴/۲۲	۵/۴۳	اشتغال ذهنی	۷/۰۲	۳/۵۳
ارزشی اقتصادی	۶/۱۶	۲/۸۸	ترک کردن	۳/۵۳	۳/۸۰
ارزشی سیاسی	۵/۳۵	۲/۱۱	تحمل	۹/۵۴	۴/۴۹
هنجاری سیاسی	۸/۵۰	۲/۸۸	فقدان کنترل	۱۴/۷۳	۶/۵۳
هنجاری اجتماعی	۷/۶۹	۲/۸۱	مقاومت	۱۶/۰۴	۷/۵۴
هنجاری اقتصادی	۴/۷۹	۱/۹۹	تعارض	۱۶/۲۷	۷/۳۸
هنجاری مذهبی	۶/۶۵	۳/۴۲	گریز از واقعیتها	۱۳/۴۵	۶/۸۶
شکاف میان-نسلی کل	۵۳/۳۴	۱۲/۴۸	انگیزه‌ها	۲۱/۵۵	۹/۶۱
-	-	-	کل اعتیاد به اینترنت	۱۰۲/۱۴	۴۱/۱۲

ماتریس همبستگی مؤلفه‌های شکاف میان-نسلی با ابعاد اعتیاد به اینترنت در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس نتایج جدول ۲ میان نمره کل شکاف میان-نسلی ($r=-۰/۲۱, p<۰/۰۱$) و زیرمقیاسهای آن یعنی ارزشی اجتماعی-مذهبی ($r=-۰/۲۱, p<۰/۰۱$) و ارزشی سیاسی ($r=-۰/۱۴, p<۰/۰۵$) همچنین هنجاری سیاسی ($r=-۰/۱۳, p<۰/۰۵$) و هنجاری مذهبی ($r=-۰/۲۰, p<۰/۰۱$) با اعتیاد به اینترنت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی مؤلفه‌های شکاف میان-نسلی با ابعاد اعتیاد به اینترنت

متغیر	اشتغال ذهنی	ترک کردن	تحمل	فقدان کنترل	مقاومت	تعارض	گریز از واقعیت	انگیزه‌ها	کل اعتیاد به اینترنت
ارزشی اجتماعی-مذهبی	۰/۱۴*	۰/۱۱	۰/۱۲*	۰/۱۵*	۰/۱۶*	۰/۱۷*	۰/۲۰*	۰/۲۶*	۰/۲۱*
ارزشی اقتصادی	-۰/۰۴	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۳
ارزشی سیاسی	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۱۵*	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۸*	۰/۱۰	۰/۱۴*
هنجاری سیاسی	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۶*	۰/۰۹	۰/۱۶*	۰/۱۴*	۰/۰۹	۰/۱۳*
هنجاری اجتماعی	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۰	-۰/۰۱	۰/۱۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۵
هنجاری اقتصادی	-۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۸	-۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۵
هنجاری مذهبی	۰/۱۴*	۰/۰۴	۰/۱۳*	۰/۱۵*	۰/۱۵*	۰/۲۰*	۰/۱۴*	۰/۲۴*	۰/۲۰*
شکاف میان-نسلی کل	۰/۱۲*	۰/۱۰	۰/۱۲*	۰/۱۵*	۰/۱۸*	۰/۱۷*	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۲۱*

* $p<۰/۰۵$ ** $p<۰/۰۱$

برای برآورد مدل از روش حداکثر احتمال و به منظور بررسی برازش مدل از شاخصهای مجذور خی^۱ (χ^2)، شاخص نسبت مجذورخی بر درجه آزادی^۲ (χ^2/df)، شاخص نیکویی برازش^۳ (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^۴ (AGFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای^۵ (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۶ (RMSEA) و باقیمانده مجذور میانگین^۷ (RMR) استفاده شده است. اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد دال بر برازش بسیار مناسب است اما از آنجا که این شاخص غالباً در نمونه‌های بزرگ‌تر از صد معنادار به دست می‌آید لذا شاخصی مناسب برای سنجش برازش مدل محسوب نمی‌شود. چنانکه شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی، کوچک‌تر از سه باشد برازش بسیار مطلوب را نشان می‌دهد. در صورتی که شاخصهای CFI، AGFI و GFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخصهای RMSEA و RMR کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد دال بر برازش بسیار مطلوب و بسیار مناسب است و شاخصهای کوچک‌تر از ۰/۰۸ بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد.

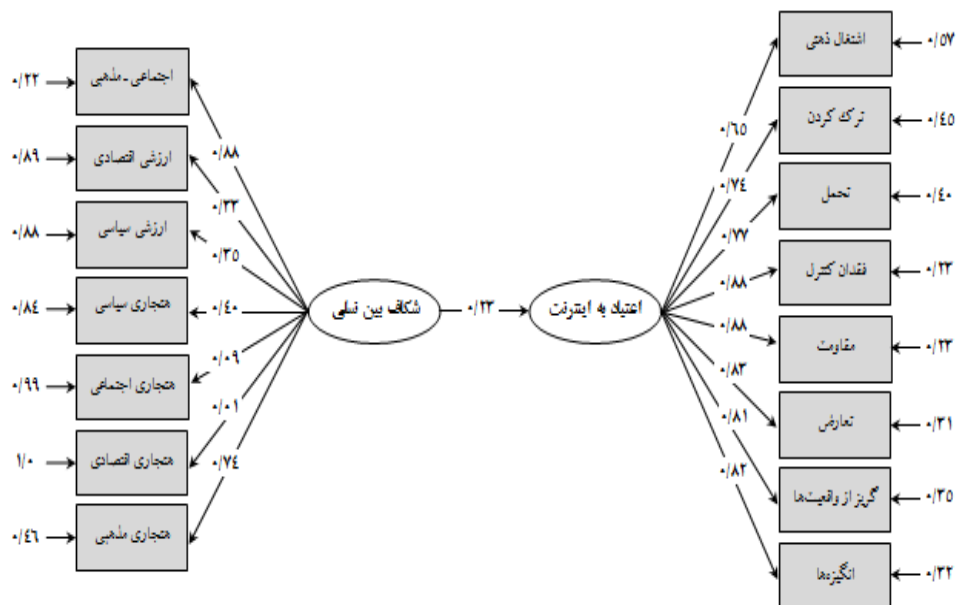
جدول شماره ۳: شاخصهای برازش مدل ارائه شده در پژوهش

شاخصهای برازش مدل	χ^2	χ^2/df	GFI	AGFI	CFI	RMSEA	RMR
مقادیر شاخص	۳۷۰۵/۲۲	۸۳	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۹	۰/۰۳	۰/۰۶

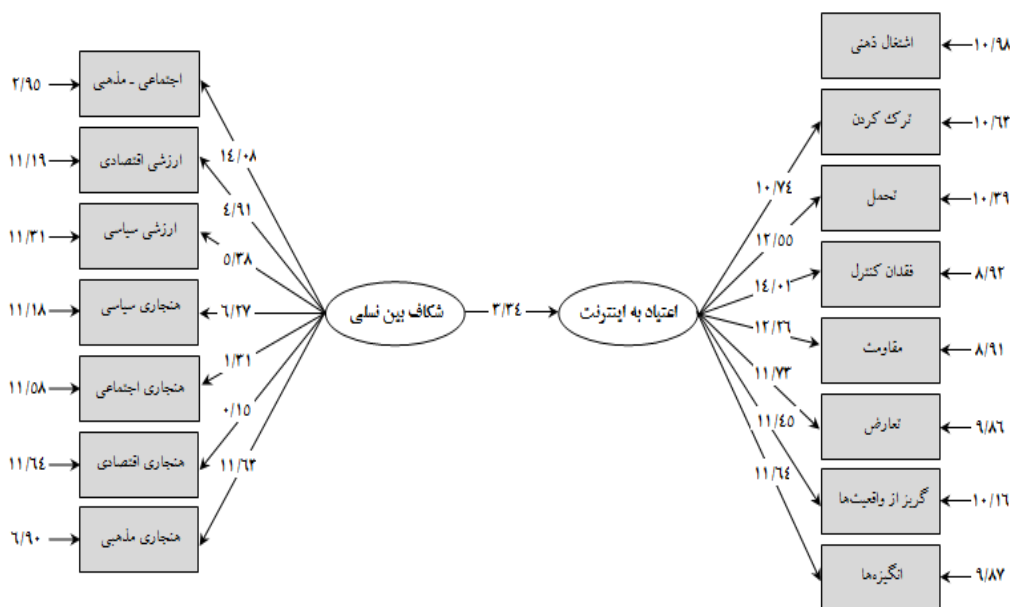
همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، برازش مدل ارائه شده بسیار مطلوب ارزیابی می‌شود.

بارهای عاملی استاندارد شده و مقادیر T مدل مسیر در مدل آزمون شده پژوهش به ترتیب در شکل‌های ۱ و ۲ آورده شده است.

1. Chi Square
2. Degree of Freedom (df)
3. Goodness of Fit Index (GFI)
4. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
5. Comparative Fit Index (CFI)
6. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
7. Root Mean Square Residual (RMR)



شکل ۱: بارهای عاملی استاندارد شده مدل مسیر در مدل آزمون شده پژوهش



شکل ۲: مقادیر T مدل مسیر در مدل آزمون شده پژوهش

نتیجه‌گیری

اعتیاد به اینترنت افزون بر اینکه وابستگی رفتاری، نوعی بیماری یا آسیب روانی است، پدیده‌ای است که با تبعات و آسیبهای جسمانی، خانوادگی، شغلی، اجتماعی و روانی همراه است (فونگ^۱، ۲۰۱۶). بنابراین شیوع اعتیاد به اینترنت در نوجوانان می‌تواند به مثابه بحرانی جدی تلقی شود که زندگی فردی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو ضروری است که اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. بررسی زمینه و علل مؤثر در پیدایش یک پدیده، نقطه شروع اقدامات بعدی است. پژوهش حاضر با هدف مدلیابی درباره نقش شکاف میان -نسلی در تبیین آسیب‌پذیری در مقابل اعتیاد به اینترنت انجام شده است. پژوهش حاضر نشان داده که ارتباط شکاف میان -نسلی با اعتیاد به اینترنت از مسیری معنادار و مستقیم برخوردار است. این یافته با نتایج تحقیقات اسمیت رجز و برادی^۲ (۲۰۰۲)، به نقل از فونگ، (۲۰۱۶) که به بررسی میزان و چگونگی استفاده جوانان و والدین از وسایل ارتباط جمعی، پیام کوتاه، پست الکترونیکی، تلفن همراه و تلفن پرداخته اند، همسوست. نتایج پژوهش آنها نشان داده است که جوانها بیشتر اوقات خود را با خانواده و دوستان می‌گذارند، اما زمانی که نمی‌توانند با آنها باشند از انواع گوناگون وسایل ارتباط جمعی برای پرکردن اوقات خود استفاده می‌کنند.

شکاف میان -نسلی ارزشی و هنجاری یکی از مسائل مطرح در حوزه آسیب‌شناسی خانواده است که براساس آن ساختار روابط میان والدین و فرزندان، دستخوش دگرگونی بنیادین می‌شود و زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه رو شود. امروزه آنچه با عنوان شکاف نسلیها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود گسست تعارضات ارزشی میان والدین و فرزندان است که براساس آن ساختار روابط میان والدین و فرزندان، در خانواده هسته‌ای مدرن، دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. در خانواده معاصر به دلایل علی چون فردگرایی، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش اقتدار والدین و افزایش سریع و وسیع دسترسی به ارتباطات جمعی کودکان و نوجوانان فاصله بیشتری با والدین خود پیدا کرده اند (زمانیان، ۱۳۸۷، به نقل از احمدی و اخیایی، ۱۳۹۲). طبق نظریه مانهایم، ارزشهای جدید فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان اند: الف) جریان ظهور نسلیهای جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش‌بینی نشده و جدید را در مقابل جریانهای فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع به پارادایمی جدید برای تحلیل نیاز دارد. وی اظهار می‌دارد ارزشها و تفکرات از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های

1. Fung

2. Smith Ragers & Brady

متفاوت‌اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدیدتر سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند و به این ترتیب، راههای تغییرات اجتماعی را هموار می‌سازند. لذا تغییر ارزشهای قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود و پدیده شکاف نسلی روی می‌دهد (موسوی میرکلانی، ۱۳۹۱).

سگالن نیز بر این باور است که روابط میان والدین و فرزندان آنها، زمانی که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند به بحران و چالش اصلی خود نزدیک می‌شود. این دوره‌ای است که ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد. ازسویی هم نارسایی در انتقال تجربه‌های صحیح و کاربردی گذشتگان به دلیل آشکار شدن تضادها، ناهمگونیها در خط مشی زندگی و اختلافات کلامی، به شکاف عمیق میان نسلها دامن می‌زند و مشکل را حادتر می‌کند. تصویر ناعادلانه و مخربی که گاهی بزرگ‌ترها از نسل جوان می‌سازند و آنها را به بی‌اعتنایی نسبت به آموزه‌های دینی، ریشه‌های تاریخی و شئون اصیل رفتاری متهم می‌کنند، نتیجه همین ناتوانی در انتقال مفاهیم، دریافت بازخورد و اختلافات ناشی از رابطه ناقص است. در نتیجه کمرنگ شدن پیوندهای عاطفی و ارتباطات کلامی در خانواده، موجب می‌شود فرصتهای مغنم و ارزشمندی که این نهاد برای همگرایی خانواده در اختیار دارد ناکارآمد و بی‌تاثیر شود و بیگانگی افراد یک خانواده با یکدیگر رقم بخورد. به این ترتیب، رسانه‌ها کارکردهای متفاوتی همانند انتقال ارزشها و هنجارها را به عهده می‌گیرند. آنها موجب تغییر در الگوهای سستی جامعه می‌شوند و تغییرات هنجارها و ارزشهای اجتماعی را به سرعت در رسانه‌های گروهی بازتاب می‌دهند، به گونه‌ای که نوجوانان به آسانی پذیرای آنها می‌شوند. در چنین شرایطی هرچه وضعیت و روابط یک جوان در خانواده مشکل‌تر و پر تنش‌تر باشد، درجه متزلزل شدن و امکان بروز و شدت بحران هویت در وی بیشتر خواهد بود و هرچه شدت این تزلزل بیشتر باشد جوان با شدت بیشتری در چندین جهت واکنش نشان خواهد داد. عضویت و هم‌رنگی با فرهنگ همسالان که در وضعیت مشابهی هستند، بیرونی کردن بسیاری از هنجارهای درونی شده و در نهایت گرایش به عناد، سرکشی، طغیان، تخریب و تهاجم احساسی، فکری، لفظی و فیزیکی نسبت به والدین و مریبان و کلاً جامعه بزرگسال از مظاهر این آسیب خواهد بود (حیدری بیگوند، ۱۳۸۰). از این رو وسایل ارتباطی مثل اینترنت که زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونیهای اجتماعی را فراهم می‌آورد، فرصتهای بیشتری را در زمینه آزادی نوجوانان، هویت و حفظ ارتباط اجتماعی به

وجود می‌آورد و رفتارها و ارزشهای نسل کنونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوید و الیسون^۱، ۲۰۰۷). بر این اساس در اکثر مواقع نوجوانان ارزشهای والدینشان را زائد و قدیمی می‌پندارند و تمایلی به زندگی به سبک والدینشان ندارند. از نظر آنان ارزشهای والدین در تناقض با ارزشهای فرزندان است، به طوری که این تناقض سبب عدم درک متقابل دو نسل از یکدیگر می‌شود. در این مواقع است که فرزندان از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها تأثیر بیشتری می‌پذیرند تا از خانواده. در حقیقت نوجوانان از نظر فیزیکی نزد خانواده خود هستند، اما حوادث بیرون را دنبال کرده و از نظر ارزشی به بیرون تعلق پیدا می‌کنند. با توجه به تئوری گودناو می‌توان گفت چنانچه ارزشهای نسل والدین مطابق با شرایط جامعه باشند، جوانان تمایل بیشتری برای پذیرش این ارزشها خواهند داشت و چنانچه این ارزشها مغایر با شرایط جامعه باشد جوانان به ارزشهای خودخواسته روی خواهند آورد و از طریق وسایل ارتباط جمعی و اینترنت به گسترش ارتباطات درون اجتماعی و برون اجتماعی، مبادرت می‌ورزند و همواره و به طور فزاینده در فرآیند دگرگونی قرار می‌گیرند. در نتیجه هویت فرد که قبلاً از خانواده شکل می‌گرفت و از طریق آن ارزشها و هنجارهای جامعه به فرزندان منتقل می‌شد، جای خود را به عقاید و باورهای تازه می‌دهد.

همچنین مطالعات مختلف نشان داده یکی از دلایل اصلی شکاف میان-نسلی فقدان ارتباط میان والدین و فرزندان است. در چنین شرایطی کودکان و نوجوانان برای جبران این کمبود، خود را با اینترنت و فناوریهای جدید مشغول می‌کنند و اهمیت خانواده و روابط خانوادگی و اجتماعی را نادیده می‌گیرند. از آنجایی که نوجوانان تأثیر بیشتری از اینترنت می‌پذیرند با بروز پدیده شکاف میان-نسلی بیشترین اوقات فراغت خود را به فضای مجازی اختصاص می‌دهند و در این فضا افراد بصورت فردی و مجزا در جهت زندگی خود قدم برمی‌دارند و اگر والدین آنها در مقابل رایانه، اینترنت، و ... بیگانه باشند و نوجوان نتواند حتی شگفتیهایی را که مشاهده می‌کند برای والدین خود بیان کند فاصله میان آنها بیش از پیش خواهد شد (آگاروال و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین به نظر می‌رسد وقتی که شکاف میان-نسلی افزایش می‌یابد و ارزشها و هنجارهای والدین و فرزندان در تعارض قرار می‌گیرد، وضعیت روانشناختی نوجوانان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، از این رو آنها در جهت سازگاری و حفظ تعادل روانشناختی دست به گریبان ابزارهای دیگری می‌شوند که اینترنت یکی از آنهاست و برای کودکان و نوجوانان جذابتهایی نیز دارد.

کمبود مطالعات خارجی و داخلی در زمینه ارتباط شکاف میان-نسلی با اعتیاد به اینترنت از محدودیتهای پژوهش حاضر به شمار می‌رود. با توجه به نتیجه پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که اقدام اساسی پیشگیری از اعتیاد به اینترنت از خانواده‌ها شروع شود. آموزش روشهای برقراری ارتباط اثربخش در خانواده، حل تعارض، پاسخگویی و درک احساسات و عواطف می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. جامعه‌پذیری مناسب و انتقال بهینه ارزشها عاملی است مهم که مانع از تشدید شکاف نسلها می‌شود. بنابراین ضروری است نسل قبلی با استفاده از زبان مشترک، ارزشها را به نسل جدید منتقل کند. ارتقای آگاهی و مهارتهای تربیتی والدین با برگزاری دوره‌های آموزش خانواده و توجه آنان به شرایط و احساسات نوجوانان می‌تواند عاملی مؤثر در کاهش شکاف میان-نسلی و کاهش گرایش به استفاده افراطی از اینترنت باشد.

منابع

- احمدی، آرمان و احمایی، پویان. (۱۳۹۲). بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۴(۴)، ۱-۲۷.
- ایمانی، مهدی و شیرالی‌نیا، خدیجه. (۱۳۹۴). نقش کارکرد و فرآیند خانواده در اعتیاد به اینترنت نوجوانان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۲)، ۱۴۲-۱۶۳.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد. (۱۳۸۶). بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی. *جوانان و مناسبات نسلی*، ۱(۱)، ۸۵-۱۱۲.
- حیدری‌بیگوند، داریوش. (۱۳۸۰). عوامل محدود کننده دگرگونیهای ساختاری و عملکردی خانواده از دیدگاه میان رشته ای. *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۳۴(۳-۴)، ۶۲۷-۶۶۸.
- رحیمی، محمد؛ آشفته‌تهرانی، امیر و حضرتی‌صومعه، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین‌نسلی (مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۱(۳)، ۷۹-۹۸.
- زربخشی‌بحری، محمدرضا؛ راشدی، وحید و خادمی، محمدجواد. (۱۳۹۱). احساس تنهایی و اعتیاد به اینترنت در دانشجویان. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۲(۱)، ۳۲-۳۸.
- ساروخانی، باقر و صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۳(۴)، ۷-۳۱.
- موسوی‌چلک، سید حسن. (۱۳۸۸). آسیب‌های اجتماعی، نظم و امنیت عمومی؛ کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی، به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- موسوی‌میرکلای، سید علی. (۱۳۹۱). خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها. *رسانه و خانواده*، ۱(۴)، ۵۲-۷۳.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین‌نسلیها: بررسی نظری و تجربی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Aarts, H., & Dijksterhuis, A. (2003). The silence of the library: Environment, situational norm, and social behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84(1), 18-28.
- Aboujaoude, E. (2010). Problematic Internet use: An overview. *World Psychiatry*, 9(2), 85-90.
- Aggarwal, M., Rawat, M. S., Singh, S., Srivastava, S., & Gauba, P. (2017). Generation gap: An emerging issue of society. *International Journal of Engineering Technology Science and Research*, 4(9), 973-983.
- Andreassen, C. S., Griffiths, M. D., Pallesen, S., Bilder, R. M., Torsheim, T., & Aboujaoude, E. (2015). The Bergen Shopping Addiction Scale: Reliability and validity of a brief screening test. *Frontiers in Psychology*, 6, Article ID 1374.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230.
- Buckingham, D., & Willett, R. (Eds.). (2013). *Digital generations: Children, young people, and the new media*. New York: Routledge.

- Durkee, T., Kaess, M., Carli, V., Parzer, P., Wasserman, C., Floderus, B., ... Wasserman, D. (2012). Prevalence of pathological internet use among adolescents in Europe: Demographic and social factors. *Addiction*, 107(12), 2210-2222.
- Fung, C. (2016). *The relationship between meaning in life, adolescent-parent attachment, and Internet addiction among Chinese adolescents in Hong Kong*. Doctoral dissertation, North central University.
- Grusec, J. E., & Goodnow, J. J. (1994). Impact of parental discipline methods on the child's internalization of values: A reconceptualization of current points of view. *Developmental Psychology*, 30(1), 4-19.
- Hartston, H. (2012). The case for compulsive shopping as an addiction. *Journal of Psychoactive Drugs*, 44(1), 64-67.
- International Telecommunication Union. (2015). *Measuring the Information Society Report*. Geneva, Switzerland: Author.
- Laier, C., Pawlikowski, M., Pekal, J., Schulte, F. P., & Brand, M. (2013). Cybersex addiction: Experienced sexual arousal when watching pornography and not real-life sexual contacts makes the difference. *Journal of Behavioral Addictions*, 2(2), 100-107.
- Lam, L.T., Peng, Z.W., Mai, J.C., & Jing, J. (2009). Factors associated with Internet addiction among adolescents. *Cyber Psychology and Behavior*, 12(5), 551-555.
- Lapinsky, M.K., & Rimal, R.N. (2005). An explanation of social norms. *Communication Theory*, 15(2), 127-147.
- Liu, C. Y., & Kuo, F. Y. (2007). A study of Internet addiction through the lens of the interpersonal theory. *CyberPsychology & Behavior*, 10(6), 799-804.
- Livingstone, S., Mascheroni, G., & Staksrud, E. (2017). European research on children's internet use: Assessing the past, anticipating the future. *New Media & Society*, 20(3), 1103-1122.
- Mehroof, M., & Griffiths, M. D. (2010). Online gaming addiction: The role of sensation seeking, self-control, neuroticism, aggression, state anxiety, and trait anxiety. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 13(3), 313-316.
- Melander, L. A. (2010). College students' perceptions of intimate partner cyber harassment. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 13(3), 263-268.
- Turel, O., & Serenko, A. (2010). Is mobile email addiction overlooked?. *Communications of the ACM*, 53(5), 41-43.
- Weinstein, A., & Lejoyeux, M. (2010). Internet addiction or excessive Internet use. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 36(5), 277-283.
- Yen, J. Y., Yen, C. F., Chen, C. C., Chen, S.H., & Ko, C.H. (2007). Family factors of internet addiction and substance use experience in Taiwanese adolescents. *CyberPsychology & Behavior*, 10(3), 323-329.
- Young, K.S. (1998). Internet addiction: The emergence of a new clinical disorder. *Cyberpsychology & Behavior*, 1(3), 237-244.
- _____ (2009). Internet addiction: Diagnosis and treatment considerations. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 39(4), 241-246.

